

رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری

The Relationship between Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence and Resilience^o

Somayeh Keshavarzi, M.Sc.

Farideh Yousefi, Ph.D. *

سمیه کشاورزی^a

دکتر فریده یوسفی^a

Abstract

This study examined the relation of Emotional Intelligence (EQ) and Spiritual Intelligence (SQ) to resilience. Participants were 354 postgraduate students (188 females, 166 males) from Shiraz University. They completed the Hjemdal et al's. Resilience Scale for Adults (2001), the Petrides and Furnham's Emotional Intelligence Questionnaire (2001) and the King's Spiritual Intelligence Scale (2008). In data analysis, multiple regression (enter method) and independent samples t-test were used. Results showed that emotional intelligence in comparison with spiritual intelligence was a stronger predictor of resilience. Moreover, the personal competence, family cohesion, and social resources were predictable from personal meaning production and optimism. There were no significant differences between male and female in mean scores of EQ and resiliency but females get higher scores in SQ than males.

Keywords: resilience, emotional intelligence, spirituality, spiritual intelligence.

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری انجام شد. گروه نمونه شامل 354 دانشجوی کارشناسی ارشد (188 دختر و 166 پسر) دانشگاه شیراز در سال تحصیلی 88-89 بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان همدال و همکاران (2001)، پرسشنامه هوش عاطفی پترایدز و فارنهام (2001) و مقیاس هوش معنوی کینگ (2008) بود. نتایج نشان داد نمرات کلی هوش عاطفی و هوش معنوی به طور مثبت و معنی‌داری نمره کلی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند اما هوش عاطفی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر تاب‌آوری است. علاوه بر این، ابعاد شایستگی فردی، انسجام خانوادگی و ارتباط با دوستان در متغیر تاب‌آوری از طریق معناسازی شخصی (در هوش معنوی) و خوش‌بینی (در هوش عاطفی) قابل پیش‌بینی بودند. در مقایسه دو جنس تنها میانگین نمرات هوش معنوی دختران به نحو معنی‌داری از میانگین نمرات پسران بیشتر بود و در دو متغیر دیگر، تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات مشاهده نگردید.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، هوش عاطفی،

معنویت، هوش معنوی

i

i

i

^o Faculty of Education and Psychology Shiraz University. Shiraz, I.R. Iran.

* Email: yousefi@shirazu.ac.ir

^o دریافت مقاله: 1390/8/18 تصویب نهایی: 1391/3/7
^a دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز

● مقدمه

اوایل قرن حاضر با ظهور مکتب روانشناسی مثبت‌گرا توسط سلیگمن و همکارانش همراه بود که اهداف عمده این مکتب، شامل کمک به افراد دارای شخصیت سالم و کمک به شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی بود (لاتنس، آولیو، اوی و نورمن، 2007). یکی از مسائل مطرح در روانشناسی مثبت، «تاب‌آوری»¹ است. تاب‌آوری ظرفیت روبرو شدن، غلبه کردن و حتی قوی‌تر شدن به وسیله تجربه مشکلات یا آسیب‌ها است. در فرایند تاب‌آوری دو شرط مهم وجود دارد: 1. افراد با تهدیدهای مهم یا سختی‌های شدید روبرو می‌شوند، 2. با وجود سختی‌ها و مشکلات مهم به سازگاری مثبت دست یافته و پیشرفت می‌کنند (لاتر، سیستی و بکر، 2000). راتر (1999) تاب‌آوری را شامل تعامل میان عوامل خطرزا و عوامل محافظتی می‌داند. عوامل خطر به هر شرایط یا رویدادی که به پیامدی ناسازگار منجر شود اطلاق می‌گردد، اما شرایط اجتماعی-اقتصادی پایین، آسیب‌های اجتماعی گسترده یا طلاق والدین معمولاً به عنوان عوامل خطر شناخته شده است. عوامل محافظتی نیز به هر رویداد یا شرایطی که فرد را در مقابل آسیب‌ها ایمن می‌کند، اطلاق می‌شود اما «خصوصیات شخصیتی»²، «عوامل خانوادگی»³ و «حمایت اجتماعی»⁴ معمولاً به عنوان عوامل محافظتی شناخته می‌شوند (ماستن و رید، 2002). آنها دو رویکرد موثر در تاب‌آوری را مطرح کردند:

1. رویکرد متمرکز بر متغیر⁵: این رویکرد به بررسی عوامل خطر و عوامل محافظتی فردی، خانوادگی و محیطی می‌پردازد و شامل مدل‌های «جمع‌پذیر»، «تعاملی» و «غیر مستقیم» می‌باشد.

2- رویکرد متمرکز بر شخص⁶: این رویکرد سعی در شناسایی افراد تاب‌آور و بررسی اینکه چه چیزی منجر به تاب‌آوری بیشتر در آنان می‌شود، دارد و شامل سه مدل می‌باشد: مدل اول به «مطالعات موردی» افراد مرتبط است. این مدل، تاب‌آوری را ویژه افراد خاص می‌داند و بر همین اساس به بررسی خصوصیات این افراد می‌پردازد. که با نقایص و کمبودهای زیادی همراه است. مدل دوم به بررسی افراد و گروه‌های تاب‌آور می‌پردازد. افراد این گروه با وجود این که در معرض شرایط خطر فراوانی قرار دارند؛ اما شایستگی بالایی از خود نشان می‌دهند. مدل سوم به دنبال بررسی و شناسایی

الگوهای عمده رفتاری است که در طول زمان و در بررسی‌های طولی، در افراد تاب‌آور مشاهده شده است.

از دیگر مسائل مطرح در روان‌شناسی مثبت، «هوش عاطفی»⁷ است. هوش عاطفی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساسات، انگیزش و کنترل هیجانات هم در زمینه فردی و هم در روابط اجتماعی اشاره دارد (پترایدز و فارنهام، 2001). به طور کلی دو رویکرد عمده در حوزه هوش عاطفی مطرح است:

1. رویکرد توانایی (غیر ترکیبی): این رویکرد بر اساس توانایی پردازش اطلاعات عاطفی است و توسط مایر و سالووی (1990) مطرح شده است. (به نقل: یوسفی، 1382).

2. رویکرد ترکیبی: که تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های توانایی و شخصیتی را ترکیب کرده و یک مفهوم پویا بسازد. رویکرد ترکیبی توسط نظریه پردازانی مانند بار-آن (2000) و گلמן (1995) مطرح شده است. بار-آن (2005) هوش عاطفی را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند. وی برای سنجش هوش عاطفی از مقیاسی که شامل 5 مؤلفه و 15 عامل است استفاده کرد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های میان‌فردی، مهارت‌های سازگاری، تنیدگی، خلق عمومی. گلמן عناصر هوش عاطفی را به دو طبقه عناصر فردی و عناصر اجتماعی تقسیم می‌کند. عناصر فردی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، خودآنگیزی و عناصر اجتماعی شامل همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشند. پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه هوش عاطفی با تاب‌آوری، حاکی از پیش‌بینی‌کنندگی مثبت تاب‌آوری توسط هوش عاطفی بودند (مک کاسکر، 2009؛ گارگ و راستوگی، 2009؛ سندل، 2007 و جوکار، 1386).

علاوه بر هوش کلی و هوش عاطفی جنبه دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد و انسانی است که «هوش معنوی»⁸ نام دارد. در تمایز بین معنویت و هوش معنوی باید عنوان نمود که معنویت بیشتر یک مفهوم تجربه‌ای است؛ اما هوش معنوی از سه بخش جدایی‌ناپذیر «حسی»، «تعقلی» و «تأملی» تشکیل شده است (وگان، 2002). همچنین معنویت به جستجو، تجربه، تقدس و روحانیت، جستجوی معنی نهایی، هوشیاری بالاتر و بعد ماورایی وجود می‌پردازد؛ در حالی که هوش معنوی

برای پیش‌بینی عملکرد و سازگاری به‌توانایی‌های به دست آمده از این موضوعات اشاره دارد (ایمونز، 2000). زوهار، فیزیکدان، فیلسوف و نویسنده، به همراه همسرش مارشال، روانپزشک و روان‌درمانگر، هوش معنوی را با ترکیب مفاهیم روانشناختی، فلسفی و مذهبی در سال 2000 ارائه دادند. از نظر آنها هوش معنوی هوشی است که می‌تواند موقعیت و فعالیت ما را گسترده‌تر و غنی‌تر سازد؛ هوشی که تعیین می‌کند یک فعالیت یا یک مسیر زندگی بیشتر از فعالیت یا مسیر دیگر معنی‌دار است (زوهار و مارشال، 2000). در مورد ترکیب و کاربرد هوش معنوی توافقی بین صاحب نظران این حوزه وجود ندارد. از دیدگاه آمرام و درایر (2007) هوش معنوی سازه معنویت و هوش را به صورت سازه جدیدی ترکیب کرده است. اما ناسل (2004) معتقد است، هوش معنوی یک ترکیب ساده از سازه هوش و معنویت نیست؛ بلکه هوش معنوی از آمیختن توانایی‌ها و علایق معنوی، خصیصه‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب شناختی بدست می‌آید. همچنین ایمونز (2000) و مک هوویک (2002) عنوان نمودند که هوش معنوی می‌تواند برای حل مسائل روزانه استفاده شود؛ در حالی که از دید ولمن (2001) هوش معنوی برای حل نگرانی‌های وجودی و ماورایی بکار می‌رود. ادواردز (2003) نیز بین داشتن هوش معنوی و داشتن دانش درباره هوش معنوی تمایز قائل شد. در دیدگاه وی، استفاده از منابع معنوی و هوش معنوی برای حل مشکلات معنوی و غیر معنوی متفاوت است و عنوان می‌کند که استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل ریاضی یا آمادگی برای یک مسابقه ورزشی که نیازمند استفاده از مهارت‌های ماهیچه‌ای است، کمتر مناسب و مفید می‌باشد. یکی از مهمترین عواملی که این دیدگاه از توجه بدان چشم پوشی کرده است این است که همه جنبه‌های زندگی برای یک فرد معنوی، حالت معنوی دارد. کینگ (2008) چهار توانایی برای هوش معنوی در نظر می‌گیرد: 1. «تفکر وجودی انتقادی»¹⁰ در مورد موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی یا ماورایی. 2. «توانایی ایجاد معنای شخصی»¹¹ و اهداف شخصی از تجربیات ذهنی و جسمانی و به عبارتی زندگی بر اساس اهداف ایجاد شده. 3. «آگاهی متعالی»¹² توانایی شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی در خود، دیگران و جهان مادی. 4. «گسترش آگاهی»¹³ توانایی ورود به حالت‌های معنوی یا فراتر از هشیاری. پژوهشی در زمینه رابطه مستقیم

تاب‌آوری با هوش معنوی یافت نشد اما در بررسی‌هایی که در زمینه رابطه تاب‌آوری و معنویت صورت گرفت، پژوهش‌ها حاکی از رابطه مثبت معنویت و تاب‌آوری بودند (رابرتسون، 2008؛ کروک، 2008؛ ناکاشیما و کاندا، 2005 ولتاین و فینوثر، 1993).

مروری بر تحقیقات نشان می‌دهد که به طور کلی در سالهای اخیر توجه به روانشناسی مثبت و متغیرهایی از قبیل تاب‌آوری به عنوان یکی از سازه‌های مهم و اثرگذار در سلامت روان و سازگاری افزایش یافته است. عوامل مختلفی از قبیل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تاب‌آوری افراد تاثیرگذارند. «هوش عاطفی» و «هوش معنوی» از جمله عوامل فردی و شخصیتی موثر بر «تاب‌آوری» است و از آنجایی که در زمینه ارتباط هوش عاطفی و هوش معنوی با تاب‌آوری پژوهشی یافت نشد، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر همزمان هوش عاطفی و هوش معنوی بر تاب‌آوری می‌پردازد. هدف دیگر پژوهش، مقایسه دو جنس در متغیرهای مورد پژوهش است.

● روش

؛ «جامعه آماری» پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز بود که به شیوه نمونه گیری طبقه‌ای انتخاب شدند؛ بر این اساس گروه نمونه شامل 354 نفر از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بودند.

جدول 1. تعداد افراد نمونه به تفکیک جنس و رشته

رشته	جنس	دختر	پسر	کل
علوم انسانی		99	52	151
مهندسی		41	65	106
علوم پایه		48	49	97
کل		188	166	354

™ ابزار

الف: «مقیاس تاب‌آوری»¹⁴ مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان توسط هم‌دال و همکاران (2001) ساخته شده است و دارای 43 ماده می‌باشد. این مقیاس شامل پنج بعد با عناوین «شایستگی فردی»، «شایستگی اجتماعی»، «انسجام خانوادگی»، «حمایت اجتماعی» و «ساختار فردی» می‌باشد به هر ماده در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً

موافقم (5) تا کاملاً مخالفم (1) نمره داده می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط جوکار و همکاران (2010) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی در پژوهش حاضر از همبستگی ابعاد با نمره کل مقیاس استفاده گردید. علاوه بر این، به منظور تعیین روایی سازه مقیاس از روش تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری بود. مقدار KMO برابر با 0/93 بود که حاکی از کفایت نمونه‌گیری محتوایی می‌باشد. ضریب آزمون بارتلت نیز برابر با 8429 با سطح معنی داری ($p < 0/001$) بود. پنج عامل بدست آمد که به ترتیب 29/70، 10/75، 6/96، 4/70، 3/38 و در مجموع 55/48 درصد واریانس موجود در مقیاس را تبیین می‌کردند.

○ ب: «پرسشنامه هوش عاطفی»¹⁵: پرسشنامه هوش عاطفی پترایدز و فارنهام (2001) یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن شامل 144 ماده و 15 زیرمقیاس می‌باشد. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه 30 ماده‌ای استفاده گردید. این مقیاس شامل 4 بعد با عناوین «درک عواطف»، «مهارت‌های اجتماعی» و «خوش بینی» است که به هر گویه در یک مقیاس هفت درجه‌ای از کاملاً موافقم (7) تا کاملاً مخالفم (1) نمره داده می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط یوسفی (1382) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید.

○ ج: «مقیاس هوش معنوی»¹⁶: کینگ (2008) یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن شامل 83 ماده می‌باشد که در پژوهش حاضر از فرم کوتاه 24 ماده‌ای آن استفاده گردید. این مقیاس شامل چهار بعد با عنوانهای «گسترش آگاهی»، «معناسازی شخصی»، «آگاهی متعالی» و «تفکر وجودی» انتقادی می‌باشد که به هر ماده در یک مقیاس 5 درجه‌ای از کاملاً موافقم (5) تا کاملاً مخالفم (1) نمره داده می‌شود. نمره کلی مقیاس از مجموع نمره‌های بدست آمده از ماده‌ها حاصل می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط حسین چاری و ذاکری (1389) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید.

داده‌های پژوهش حاضر پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. برای پیش بینی تاب آوری از طریق هوش عاطفی و هوش معنوی از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و برای مقایسه میانگین نمرات دختران و پسران در متغیرهای مورد پژوهش از آزمون Tویژه گروه‌های مستقل استفاده گردید.

● یافته‌ها

جدول 2 شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای پژوهش آورده شده است. همچنین به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش، همبستگی آنها با یکدیگر محاسبه شد که نتایج در جدول 3 قابل مشاهده است.

جدول 2. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
تاب آوری	۱۶۵/۱۶	۲۰/۱۷	۱۰۵	۲۱۵
هوش عاطفی	۱۴۵/۶۴	۲۱	۷۰	۲۰۶
هوش معنوی	۵۱/۷۶	۱۲/۴۰	۱۶	۸۳

جدول 3. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16
1. شایستگی فردی	1															
2. شایستگی اجتماعی	0/50*	1														
3. انسجام خانوادگی	0/۳۵*	0/۴۰*	1													
4. ارتباط با دوستان	0/۳۹*	0/۴۰*	0/۶۷*	1												
5. ساختار فردی	0/۵۱*	0/۳۲*	0/۴۰*	0/۳۶*	1											
6. تاب آوری	0/۷۸*	0/۷۳*	0/۷۹*	0/۷۰*	0/۶۵*	1										
7. ادراک عواطف	0/۶۲*	0/۵۶*	0/۲۹*	0/۳۶*	0/۳۰*	0/۵۹*	1									
8. مهار عواطف	0/۳۸*	0/۲۰*	0/۲۰*	0/۲۶*	0/۲۳*	0/۳۴*	0/۳۵*	1								
9. مهارت‌های اجتماعی	0/۳۲*	0/۳۳*	0/۱۸*	0/۲۷*	0/۰۷*	0/۳۲*	0/۴۴*	0/۶۱*	1							
10. خوش بینی	0/۶۱*	0/۳۵*	0/۴۴*	0/۴۴*	0/۳۵*	0/۵۹*	0/۵۳*	0/۵۰*	0/۴۳*	1						
11. هوش عاطفی	0/۶۳*	0/۴۶*	0/۳۶*	0/۴۳*	0/۳۲*	0/۶۰*	0/۷۶*	0/۷۹*	0/۷۷*	0/۸۰*	1					
12. گسترش خودآگاهی	0/۲۲*	0/۱۵****	0/۲۴*	0/۲۱*	0/۳۰*	0/۲۹*	0/۱۸*	0/۰۱*	0/۰۳*	0/۲۳*	0/۱۵***	1				
13. معناسازی شخصی	0/۵۵*	0/۳۴*	0/۳۸*	0/۳۸*	0/۴۲*	0/۵۶*	0/۴۹*	0/۳۴*	0/۳۱*	0/۵۴*	0/۴۲*	0/۴۲*	1			
14. آگاهی متعالی	0/۲۴*	0/۱۷*	0/۱۸*	0/۱۸*	0/۱۹*	0/۲۶*	0/۲۰*	0/۰۹*	0/۱۶***	0/۲۰*	0/۲۰*	0/۲۱*	0/۴۶*	1		
15. تفکر وجودی انتقادی	0/۳۲*	0/۳۵*	0/۲۳*	0/۲۷*	0/۲۶*	0/۳۹*	0/۳۸*	0/۲۰*	0/۳۳*	0/۲۶*	0/۳۷*	0/۵۲*	0/۶۶*	0/۶۲*	1	
16. هوش معنوی	0/۴۰*	0/۲۹*	0/۳۲*	0/۳۱*	0/۳۷*	0/۴۵*	0/۳۶*	0/۱۷**	0/۲۲*	0/۳۶*	0/۳۶*	0/۸۶*	0/۷۶*	0/۸۲*	0/81*	1

*p= 0/001

**p= 0/002

***p= 0/003

***p= 0/004

برای بررسی امکان پیش بینی تاب‌آوری (و ابعاد آن) از طریق هوش عاطفی و هوش معنوی (و ابعاد آنها) از روش رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده گردید که نتایج آن‌ها در جداول 4 تا 9 آمده است. اما قبل از استفاده از رگرسیون، برای هر یک از مدل‌های رگرسیون ارائه شده در جداول 4 تا 9 پیش فرض‌های رگرسیون برای هر یک از تحلیل‌ها به تفصیل مورد آزمون قرار گرفت. از جمله این که برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین - واتسون؛ برای بررسی هم خطی چندگانه از شاخص‌های ضریب تحمل و عامل تورم واریانس؛ و برای بررسی نرمال بودن توزیع مانده‌ها نیز از سه روش رسم نمودار هیستوگرام، نمودار P-P، و آزمون غیرپارامتری کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. مقدار آزمون دوربین - واتسون در پیش بینی تاب‌آوری (و ابعاد آن) از روی نمرات کلی هوش عاطفی و هوش معنوی (و نیز از روی ابعاد آن‌ها) به طور کلی از 1/79 تا 2/094 بود که مطابق با پیرسون (2010) بیانگر استقلال خطاها بود. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نیز در همه‌ی موارد، بیانگر عدم معنی داری آزمون و در نتیجه، نرمال بودن توزیع بود. نمودار هیستوگرام نیز نشان داد که مقادیر مانده‌ها تقریباً دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف معیاری به طور متوسط برابر 0/997 هستند. در نمودار P-P نیز مشخص گردید که داده‌ها کاملاً از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند زیرا تمام نقاط نمودار روی نیمساز ربع اول قرار داشتند. برای بررسی مفروضه استقلال مانده‌ها از یکدیگر نیز از رسم نمودار سری زمانی استفاده گردید و مشخص شد که در این نمودار هیچ روند خاصی مشاهده نمی‌گردد. به طور کلی نتایج حاصله، وجود مفروضه‌های رگرسیون را مورد تأیید قرار دادند. شاخص‌های بیانگر مفروضه هم خطی چندگانه نیز در جدول 4 و 5 آورده شده است. بر اساس یافته‌های مندرج در جدول 4 می‌توان گفت که شاخصه‌های هم خطی بودن نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش‌بین، هم خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اعتماد می‌باشد. نتایج همین جدول نشان می‌دهد مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر هوش عاطفی و هوش معنوی بر تاب‌آوری برابر با 129/80 بوده که در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. نگاهی بر R^2 نشان می‌دهد که 43 درصد از واریانس تاب‌آوری توسط هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که هوش عاطفی ($\beta = 0/51$) و هوش معنوی

($\beta=0/27$) می‌تواند تاب‌آوری را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی کند.

جدول 4. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش‌بینی تاب‌آوری از طریق نمره کلی هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P<	R	R ²	β	t	p<	شاخص‌های هم‌خطی چندگانه	
									عامل تورم	شاخص تحمل واریانس
هوش عاطفی	تاب‌آوری	129/80	0/001	0/65	0/43	0/51	11/64	0/001	0/87	1/15
هوش معنوی	تاب‌آوری					0/27	6/17	0/001	0/87	1/15

در جدول 5 شاخص‌های هم‌خطی بودن نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش‌بین، هم‌خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اعتماد می‌باشد. نتایج جدول 5 نشان می‌دهد مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر شایستگی فردی برابر با 50/11 بوده که در سطح $p<0/001$ معنی‌دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 54 درصد از شایستگی فردی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شوند. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که فقط زیرمقیاس‌های درک عواطف ($\beta=0/38$)، خوش‌بینی ($\beta=0/30$) و معناسازی شخصی ($\beta=0/25$) می‌توانند شایستگی فردی را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی نمایند.

جدول 5. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش‌بینی بعد شایستگی فردی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	t	p<	شاخص‌های هم‌خطی چندگانه	
									عامل تورم	شاخص تحمل واریانس
گسترش خودآگاهی	شایستگی فردی	50/11	0/001	0/73	0/54	0/001	0/003	NS	0/512	1/952
معناسازی شخصی						0/25	4/37	0/001	0/410	2/436
آگاهی متعالی						0/03	0/61	NS	0/459	2/179
تفکر وجودی انتقادی						-0/07	1/17	NS	0/399	2/509
درک عواطف						0/38	7/77	0/001	0/602	1/662
مهارت‌های اجتماعی						0/08	1/53	NS	0/552	1/847
مهارت‌های اجتماعی						-0/08	1/65	NS	0/528	1/894
خوش‌بینی						0/30	5/94	0/001	0/528	1/893

جدول 6. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد شایستگی اجتماعی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش

معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	T	p<
شایستگی اجتماعی	گسترش خودآگاهی	22/70	0/001	0/59	0/34	-0/03	0/46	NS
	معناسازی شخصی					-0/03	0/48	NS
	آگاهی متعالی					-0/03	0/47	NS
	تفکر وجودی انتقادی					0/20	2/92	0/004
	درک عواطف					0/45	7/99	0/001
	مهار عواطف					-0/09	1/47	NS
	مهارتهای اجتماعی					0/10	1/60	NS
	خوش بینی					0/09	1/46	NS

بر اساس جدول 6 مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر شایستگی اجتماعی برابر با 22/70 بوده که در سطح $p<0/001$ معنی دار است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که 35 درصد از واریانس شایستگی اجتماعی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس درک عواطف ($\beta=0/45$) و تفکر انتقادی وجودی ($\beta=0/20$) می‌تواند شایستگی اجتماعی را بطور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

بر اساس جدول 7 مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر انسجام خانوادگی برابر با 13/34 بوده که در سطح $p<0/001$ معنی دار است.

جدول 7. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد انسجام خانوادگی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	t	p<
انسجام خانوادگی	گسترش خودآگاهی	13/34	0/001	0/49	0/24	0/12	1/87	NS
	معناسازی شخصی					0/21	2/85	0/005
	آگاهی متعالی					-0/05	0/69	NS
	تفکر وجودی انتقادی					-0/03	0/43	NS
	درک عواطف					-0/03	0/48	NS
	کنترل عواطف					-0/02	0/29	NS
	مهارتهای اجتماعی					-0/02	0/22	NS
	خوش بینی					0/32	4/96	0/001

مقدار R^2 نشان می دهد که 24 درصد از واریانس انسجام خانوادگی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس خوش بینی ($\beta=0/32$) و معناسازی شخصی ($\beta=0/21$) می تواند انسجام خانوادگی را بطور مثبت و معنی دار پیش بینی کند.

بر اساس جدول 8 مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر ارتباط با دوستان برابر با 13/84 بوده که در سطح $p<0/001$ معنی دار است. مقدار R^2 نشان می دهد که 24 درصد از واریانس ارتباط با دوستان توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که فقط زیرمقیاس خوش بینی ($\beta=0/27$) و معناسازی شخصی ($\beta=0/15$) می تواند ارتباط با دوستان را به طور مثبت و معنی دار پیش بینی کند.

جدول 8. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد ارتباط با دوستان از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	t	p<
ارتباط با دوستان	گسترش خودآگاهی	13/84	0/001	0/49	0/24	0/09	1/36	NS
	معناسازی شخصی					0/15	1/98	0/048
	آگاهی متعالی					-0/05	0/74	NS
	تفکر وجودی انتقادی					0/03	0/39	NS
	درک عواطف					0/09	1/48	NS
	کنترل عواطف					0/01	0/15	NS
	مهارتهای اجتماعی					0/06	0/94	NS
	خوش بینی					0/27	4/23	0/001

بر اساس جدول 9 مقدار آزمون F برای بررسی تاثیر ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی بر ساختار فردی برابر با 15/37 بوده که در سطح $p<0/001$ معنی دار است. مقدار R^2 نشان می دهد که 26 درصد از واریانس ساختار فردی توسط ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی تبیین می شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن است که زیرمقیاس معناسازی شخصی ($\beta=0/28$)، گسترش خودآگاهی ($\beta=0/22$)، کنترل عواطف ($\beta=0/18$) و درک عواطف ($\beta=0/12$) بطور مثبت و معنی دار و مهارتهای اجتماعی ($\beta=-0/21$) به صورت منفی و معنی دار می توانند ساختار فردی را پیش بینی کنند.

جدول 9. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی بعد ساختار فردی از طریق ابعاد هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	p<	R	R ²	β	t	p<
ساختار فردی	گسترش خودآگاهی	15/37	0/001	0/51	0/26	0/22	3/40	0/001
	معناسازی شخصی					0/28	3/92	0/001
	آگاهی متعالی					-0/12	1/87	NS
	تفکر وجودی انتقادی					-0/01	0/11	NS
	درک عواطف					0/12	2/02	0/044
	کنترل عواطف					0/18	2/80	0/005
	مهارتهای اجتماعی					-0/21	3/34	0/001
	خوش بینی					0/12	1/86	NS

برای مقایسه نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای پژوهش، از روش آماری آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول 10 آمده است.

جدول 10. مقایسه نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای تاب آوری، هوش عاطفی و هوش معنوی

متغیرها	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	p<
تاب آوری	دختر	188	166/48	20/38	1/29	NS
	پسر	166	163/67	19/87		
هوش عاطفی	دختر	188	146/24	21/94	0/57	NS
	پسر	166	144/96	19/92		
	پسر	166	12/67	2/95		
هوش معنوی	دختر	188	53/26	12/25	2/43	0/02
	پسر	166	50/07	12/38		

همانطور که در جدول 10 مشاهده می‌شود بین میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در نمره کلی هوش معنوی، تفاوت معنی داری وجود دارد، بدین صورت که میانگین نمرات دختران، بالاتر از میانگین نمرات پسران می‌باشد؛ اما بین میانگین نمرات دختران و پسران در متغیرهای تاب‌آوری و هوش عاطفی تفاوت معنی داری یافت نشد.

● بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف «تعیین رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب

آوری در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز» صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که «هوش عاطفی» با «تاب آوری» رابطه مثبت و معنی داری دارد. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ هوش عاطفی در سطح بالایی قرار دارند در شرایط دشوار، تاب آوری بیشتری نشان می دهند. این یافته با نتایج پژوهش های مک کاسکر (2009)، گارگ و راستوکی (2009) و جوکار (1386) همسو می باشد. گارگ و راستوکی (2009) نیز نشان دادند دانش آموزانی که هوش عاطفی بالایی دارند می توانند نسبت به تنیدگی، تاب آور باشند که این امر موفقیت فردی و حرفه ای آنان را تعیین می کند. این افراد نگرش مثبتی به خود دارند و این امر موجب می شود تا موقعیت ها را خوش بینانه تفسیر کرده و راه حلی برای نقایص پیدا کنند. همچنین نتایج نشان داد که هوش معنوی با تاب آوری رابطه مثبت و معنی داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش های رابرتسون (2008) و تورانلو، جمالی و میرغفوری (1386) همسو می باشد.

در پژوهش حاضر نتایج حاصل از بررسی ابعاد متغیرهای پژوهش نیز نشان داد که بعد خوش بینی (در هوش عاطفی) ابعاد شایستگی فردی، انسجام خانوادگی و ارتباط با دوستان را به طور مثبت و معنی داری پیش بینی می کند. این یافته با نتایج پژوهش های ریویچ (2010)، بالدوین، جکسون، اوکو و کنون (2010)، لاتنس و یوسف (2007) و اسموکاوسکی (2000) همسو می باشد. خوش بینی جزء ضروری برای تاب آوری افراد محسوب می شود. توانایی تفکر خوش بینانه افراد را ترغیب می کند تا علی رغم مشکلات و شکست ها و مواجهه با شرایط ناگوار تلاش کنند. تفکر خوش بینانه به افراد انگیزه حرکت به جلو و پافشاری برای یافتن راه حل مناسب را می دهد. به عبارت دیگر خوش بینی یکی از عوامل محافظتی در افراد تاب آور، برای ارتباط موثر با والدین، معلمان، دوستان و همسالان می باشد (اسموکاوسکی، 2000).

۱ بعد «درک عواطف» (در هوش عاطفی)، ابعاد شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و ساختار فردی را به طور مثبت و معنی داری پیش بینی می کند. این یافته با نتایج پژوهش های تامسون، لويس و کالکینز (2008) و چانگ، سنا و یانگ (2003) همسو می باشد.

۲ بعد «معناسازی شخصی» (در هوش معنوی)، ابعاد شایستگی فردی، ارتباط با دوستان و ساختار فردی را به طور مثبت و معنی داری پیش بینی می کند. این یافته با

نتایج پژوهش‌های ناکاشیما و کاندا (2005)، اسمیت، تولی، مونتاگ، رایبسون، کاسپر و مولینز (2009)، پن، ونگ، چان و جوهرت (2008) همسو می‌باشد. ناکاشیما و کاندا (2005) عنوان نمودند که یکی از عوامل تاثیر گذار در تاب آوری افراد، معنویت و ساختن یک روایت معنی دار از زندگی و مرگ (معناسازی شخصی) است. اسمیت و همکاران (2009) عنوان نمودند داشتن معنا و هدف در زندگی برای سازگاری با شرایط دشوار و استرس زای زندگی، ضروری می‌باشد و در این میان، وجود افراد حمایت گر پیش بینی کننده مثبت و معنی دار انتخاب هدف و معنای شخصی توسط افراد می‌باشد. پن و همکاران (2008) عنوان نمودند داشتن معنا و هدف در زندگی یکی از عوامل محافظتی شناخته شده در تاب آوری افراد است. به عبارت دیگر، افرادی که قادر به شناسایی نظم، انسجام و هدف در زندگی خود هستند و همچنین توانایی پیگیری و دست یابی به اهداف خود را دارند، تاب آوری بیشتری در شرایط دشوار زندگی، از خود نشان می‌دهند.

؛ بعد «تفکر وجودی انتقادی» (در هوش معنوی) نیز در این پژوهش، پیش بینی کننده مثبت و معنی دار شایستگی فردی می‌باشد. بعد تفکر وجودی انتقادی به توانایی فرد در تفکر به موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی یا ماورایی می‌پردازد. بر این اساس، فرد می‌تواند یک معنای شخصی از هر یک از موضوعات عنوان شده، برای خود بسازد. تن دام و ولمن (2004) عنوان نمودند توانایی تفکر نقادانه، جنبه مهمی برای کسب کفایت و شایستگی در افراد محسوب می‌شود.

؛ دیگر یافته پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد گسترش خودآگاهی، مهارتهای اجتماعی و کنترل عواطف، پیش بینی کننده مثبت و معنی دار ساختار فردی هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های راجرز، کوآتر، فلیپس و گاردنر (2006)، وینیک و اریکسون (1994) و دان و مک گریر (1992) همسو است. وینیک و اریکسون (1994) و دان و مک گریر (1992) در دو تحقیق جداگانه نشان دادند که مهارتهای اجتماعی بالا، تاب آوری افراد را در مقابل شرایط ناگوار و دشوار و مشکلات رفتاری بالا می‌برد.

؛ در خصوص مقایسه بین میانگین دختران و پسران در متغیر تاب آوری نتایج حاکی از عدم معنی داری بین میانگین دختران و پسران بود. این یافته با نتایج

پژوهش‌هایی از قبیل هنلی، (2010) و هارتمن، ترنر، دیگل، اگزام و کولن، (2009) همسو بود. هنلی (2010) بین سطح تاب‌آوری دختران و پسران تفاوت معنی‌داری پیدا نکرد؛ اما عنوان نمود که دختران و پسران از راهبردهای متفاوتی برای تاب‌آوری خود استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه گروه نمونه متشکل از دانشجویان کارشناسی ارشد بود، به نظر می‌رسد افزایش سن و تجربیات فرد، با سطح تاب‌آوری افراد رابطه مثبت و مستقیمی داشته باشد که این امر موجب کاهش تفاوت‌های جنسی بین دو گروه دختران و پسران می‌شود. در خصوص مقایسه بین میانگین دختران و پسران در متغیر هوش عاطفی نیز نتایج تفاوت معنی‌داری بین میانگین دختران و پسران نشان نداد. این یافته‌ها همسو با نتایج یافته‌های گورل، اوزرکان و یالکین، (2010)؛ پریمیوزیک، بنت و فارنهام، (2007) بود. پریمیوزیک و دیگران (2007) اگرچه بین میانگین نمرات دختران و پسران در هوش عاطفی تفاوت معنی‌داری پیدا نکردند، اما نشان دادند که هوش عاطفی با افزایش سن افزایش می‌یابد. همچنین در نمره کل هوش معنوی تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات دختران و پسران مشاهده شد، به طوری که میانگین نمرات دختران بیشتر از پسران بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پرز، لیتل و هنریچ (2009)، پوگ، کتنبرگر و اُلسون (2004) همسو بود.

یافته‌های پژوهش حاضر، اطلاعات مهمی برای خود فرد، خانواده‌ها، دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و مراکز مشاوره فراهم می‌آورد؛ افراد می‌توانند با آگاهی از نحوه ارتباط موثر با دیگران، مهارت‌های اجتماعی را در خود پرورش و ارتقاء دهند. افراد دارای مهارت‌های اجتماعی بالا، از منابع حمایتی زیادی در اطراف خود برخوردارند؛ لذا با اطلاع از اینکه منابع حمایتی (مانند خانواده، دوستان، افراد مورد اعتماد) یکی از عوامل تاثیرگذار در ارتقاء تاب‌آوری هستند، در مواقع رویارویی با سختی‌ها و تنش‌های زندگی با کمک گرفتن از این منابع، پیامدهای منفی کمتری را تجربه می‌کنند و قادر به یافتن راه حل موثر برای مشکلات‌شان می‌شوند. خانواده‌ها می‌توانند از نحوه برقراری و گسترش تعاملات مثبت و سازنده در ارتباط با فرزندان خود برای ایجاد و افزایش هوش عاطفی آگاهی یابند. بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی، رفتارهای الگو تاثیر مهمی در یادگیری افراد دارد. والدین می‌توانند با الگو بودن در زمینه‌های درک عواطف، خوش‌بینی، داشتن روابط اجتماعی بالا، موجب ارتقاء

هوش عاطفی در فرزندان خود شوند. اساتید می‌توانند با ارائه دروس به روش‌های گوناگون از قبیل روش‌های مشارکتی موجب ارتقاء همکاری بین دانشجویان شوند که این امر موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی آنان و همچنین افزایش توانایی درک عواطف و احساسات دیگران که از مؤلفه‌های هوش عاطفی هستند، می‌گردد. برنامه ریزان درسی می‌توانند در دروسی مانند بینش و دین و زندگی، با گنجاندن مطالبی که موجب تعمق فرد در مورد ابعاد متعالی و ماورایی خود، دیگران و جهان می‌شود و همچنین به تفکر واداشتن در زمینه‌هایی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت در دانش‌آموزان و دانشجویان به پرورش و رشد هوش معنوی در آنان کمک نمایند. روانشناسان و مشاورین می‌توانند با آموزش فنون موثر ارتباط و مقابله‌ای موثر در جهت رشد مهارت‌های اجتماعی و تاب‌آوری افراد گام بردارند.

i i i

یادداشت‌ها

- | | |
|--|-----------------------------------|
| 1- resilience | 2- personality attributes |
| 2- family factors | 4- social support |
| 5- variable based approach | 6- individual base approach |
| 7- emotional intelligence(EQ) | 8- spiritual intelligence (SQ) |
| 9- contemplative | 10- critical existential thinking |
| 11- personal meaning production | 12- transcendent awareness |
| 13- conscious state expansion | 14- Resilience Scale for Adults |
| 15- Emotional Intelligence Questionnaire | |
| 16- Spiritual Intelligence Scale | |

منابع

- اتکینسون، ریتا ل. و دیگران (1383). زمینه روانشناسی هیلگارد، مترجمان: محمد نقی براهنی و دیگران، ویرایش دوم، تهران: رشد.
- تورانلو، حسین، جمالی، رضا، میر غفوری، سید حبیب اله (1386). بررسی رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره یازدهم، 145-172.
- جوکار، بهرام (1386). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی، روانشناسی معاصر، دوره 2، شماره 2، 3-12.
- حسین چاری، مسعود، ذاکری، حمیدرضا (1389). تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی؛ کوششی در راستای رواسازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره 1، 71-92.
- سیمایی، شکوفه (1388). دل‌بستگی به خدا و هوش عاطفی: نقش آنها در پیش بینی سلامت

- روانی و رضایت از زندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- فتحی، علی (1389). دختران معنوی، معنویت دخترانه. بازنگری شده در سایت:
<http://4ghad.com/New/Article.php?SubjectID=67&ID=1961>
- یوسفی، فریده (1382). الگوی علی هوش عاطفی رشد شناختی، تنظیم شناختی عواطف و سلامت عمومی. پایان نامه دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- Amram, Y., & Dryer, C. (2007). *The development and preliminary validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. Retrieved at: <http://www.geocities.com/isisfindings>.
- Baldwin, D. R., Jackson, D., Okoh, I., & Cannon, R. L. (2010). Resiliency and optimism: An African American senior citizen's perspective. *Journal of Black Psychology*. Retrieved at: published online at <http://jbp.sagepub.com/content/early/2010/03/10/0095798410364394>.
- Bar-On, R. (2005). The Bar-On model of Emotional-Social Intelligence (ESI). Consortium for research on emotional intelligence in organizations - *Issues in Emotional Intelligence*.
- Chamrathirong, A., Miller, B. A., Byrnes, H. F., Rhucharoenpornpanich, O., Cupp, P. K., Rosati, M. J., Fongkaew, W., Atwood, K. A., & Chookhare, W. (2010). Spirituality within the family and the prevention of health risk behavior among adolescents in Bangkok, Thailand. *Social Science and Medicine*, 71, 1855-1863.
- Chang, E. C., Sanna, L. J. & Yang, K. M. (2003). Optimism, pessimism, affectivity, and psychological adjustment in US and Korea. *Personality and Individual Differences*, 34 (7), 1195-1208.
- Dunn, J., & McGuire, S. (1992). Sibling and peer relationships in childhood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 33, 67-105.
- Edwards, A. C. (2003). Response to the spiritual intelligence debate: Are some conceptual distinctions needed here? *The International Journal for the Psychology of Religion*, 13(1), 49-52.
- Emmons, R. (2000). Spirituality and intelligence: Problems and prospects. *International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (1), 57-64.
- Garg, P., & Rastogi, R. (2009). Emotional intelligence and stress resiliency: A relationship study, *International Journal of Educational Administration*, 1(1), 1-16.
- Gurol, A., Ozercan, M. G., & Yalcin, M. (2010). A comparative analysis of pre-service teachers' perceptions of self efficacy and emotional intelligence. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3246-3251.
- Hartman, J. L., Turner, M. G., Daigle, L. E., Exum, M. L. & Cullen, F. T. (2009). Exploring the gender differences in protective factors: Implications for understanding resiliency. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 53 (3), 249.
- Henley, R. (2010). Resilience enhancing psychosocial programs for youth in different cultural

- contexts: Evaluation and research. *Progress in Development Studies*, 10 (4), 295–307.
- Jowkar, B., Friborg, O., & Hjemdal, O. (2010). Cross-cultural validation of the Resilience Scale for Adults (RAS) in Iran. *Scandinavian Journal of Psychology*, 51, 418-425.
- King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science, Peterborough, Ontario, Canada.
- Luthans, F. & Youssef, C. M. (2007). Emerging positive organizational Behavior. *Journal of Management*, 33, 321. Retrieved from: <http://jom.sagepub.com/content/33/3/321>.
- Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology*, 60, 541-572.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71, 543–56.
- MacHovec, F. (2002). *Spiritual intelligence, the behavioral sciences, and the humanities*. Lewiston, NY: Edwin Mellen Press.
- Maselko, J. & Kubzansky, L. D. (2006). Gender differences in religious practices, spiritual experiences and health: Results from the US General Social Survey. *Social Science and Medicine*, 62, 2848–2860.
- Masten, A. S., & Reed, M. G. J. (2002). *Resilience in development. Handbook of positive psychology*, New York: Oxford University Press.
- McCusker, M. (2009). *Supporting resilient teachers: Resiliency and dynamic leadership in special education teacher retention*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Education, Arizona State University.
- Nakashima, M., & Canda, E. R. (2005). Positive dying and resiliency in later life: A qualitative study. *Journal of Aging Studies*, 19, 109–25.
- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Doctoral Dissertation, University of South Australia: Australia.
- Pan, J. y., Wong, D. F. K., Chan, C. L. W., & Joubert, L. (2008). Meaning of life as a protective factor of positive affect in acculturation: A resilience framework and a cross-cultural comparison. *International Journal of Intercultural Relations*, 32, 505–514.
- Pearson, R. W. (2010). *Statistical persuasion*. SAGE Publication.
- Perez, J. E., Little, T. D. & Henrich, C. C. (2009). Spirituality and depressive symptoms in a school-based sample of adolescents: A longitudinal examination of mediated and moderated effects. *Journal of Adolescent Health*, 44, 380–386.
- Petrides, K. V. & Furnham, A. (2001). Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies. *European Journal of Personality*, 15, 425-448.

- Poage, E. D., Ketzenberger, K. E. & Olson, J. (2004). Spirituality, contentment, and stress in recovering alcoholics. *Addictive Behaviors*, 29 (9), 1857-1862.
- Premuzic, T. C., Bennett, E., & Furnham, A. (2007). The happy personality: Mediation role of trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 42, 1633-1639.
- Reivich, K. (2010). Optimism: A key ingredient to happiness. *Communique, the newspaper of the National Association of School Psychologists*, 38 (7), 10-12. Retrieved at: <http://periodicals.fags.org>.
- Robertson, J. (2008). *Spirituality among public school principals and its relationship to job satisfaction and resiliency*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Education In Educational Leadership, Union University.
- Rogers, P., Qualter, P., Phelps, G. & Gardner., K. J. (2006). Belief in the paranormal, coping and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 41, 1089-1105.
- Rutter, M. (1999). Resilience concepts and findings: Implications for family therapy. *Journal of Family Therapy*, 21(2), 119-144.
- Sandel, J. K. (2007). *The effects of trauma exposure emotional intelligence and positive emotion on resilience*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Philosophy in psychology.
- Smith, B. W., Tooley, E. M., Montague, E. Q., Robinson, A. E., Cosper, C. J., & Mullins, P. G. (2009). The role of resilience and purpose in life in habituation to heat and cold pain. *The Journal of Pain*, 10 (5), 493-500.
- Smokowski, P. R. (2000). Resilience and protective factors in adolescence: An autobiographical perspective from disadvantaged youth. *Journal of School Psychology*, 37 (4), 425-448.
- Ten Dam, G., & Volman, M. (2003). A life jacket or an art of living. Inequality in social competence education. *Curriculum Inquiry*, 33, 117-137.
- Ten Dam, G., & Volman, M. (2004). Critical thinking as a citizenship competence: Teaching strategies. *Learning and Instruction*, 14, 359-379.
- Thompson, R. A., Lewis, M. D., & Caulkins, S. D. (2008). Reassessing emotion regulation. *Child Development Perspectives*, 2, 124-131.
- Valentine, L., & Feinauer, L. L. (1993). Resilience factors associated with female survivors of childhood sexual abuse. *The American Journal of Family Therapy*, 21, 216-224.
- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42 (2), 16-33.
- Vinnick, L. A., & Erickson, M. T. (1994). Social skill in third and sixth grade children: A moderator of lifetime stressful life events and behavior problems? *Journal of Child and Family Studies*, 3 (3), 263-282.
- Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New

York: Harmony.

Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *Connecting with our spiritual intelligence*. New York: Bloomsbury. Retrieved from: medind.nic.in/jak/t06/i1/jakt06i1p_227.pdf.

i i i

• ادامه گزارش و خبر

برگزاری کارگاه درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی
کارگاه آموزشی درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی در تاریخ 25 مهرماه 1391 برگزار شد. در این کارگاه تخصصی بازآموزی روانشناسان و مشاوران معاونت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سپاه شرکت کنندگان با شیوه درمان فعال سازی رفتاری برای اضطراب و افسردگی آشنا شدند.

کارگاه آموزشی آشنایی با آزمون وکسلر 4

کارگاه آموزشی، آشنایی، شیوه اجرا، نمره گذاری و تفسیر نمرات آزمون وکسلر 4 در تاریخ 91/7/20 توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی برگزار گردید.

کارگاه آموزشی درمان اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)

کارگاه آموزش درمان اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) در تاریخ 91/7/27 توسط آقای دکتر علیرضا مرادی عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی روانشناسی برای روانشناسان و مشاوران مرکز خدمات روانشناسی و مشاوره شهید محلاتی برگزار گردید

i i i